

تفسیر سوره

# ذاريات



### سیمای سوره ذاریات

این سوره شصت آیه دارد و در مکه نازل شده است.

نام این سوره از اولین آیه آن گرفته شده است: «والذّاریات ذرُواً» و به معنای بادهای تندی است که اشیا را پراکنده می‌کند.

آغاز و پایان این سوره با معاد است و مباحثی دربارهٔ توحید و نشانه‌های خداوند در هستی، داستان فرشتگانی که مهمان حضرت ابراهیم ﷺ شدند و به او بشارت فرزند دادند، اخطار به قلع و قمع قوم لوط و اشاره‌ای به داستان برخی پیامبران، همچون موسی و نوح و قوم عاد و ثمود، بیشترین آیات این سوره را در بر می‌گیرد.

قرآن با بیان تاریخ انبیای گذشته و سختی‌ها و مشکلات آنان در راه هدایت مردم، پیامبر اسلام ﷺ را به صبر و استقامت دعوت می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَالْدَّارِيَاتِ دَرْوَا ﴿۲﴾ فَالْحَامِلَاتِ وَقَرَا ﴿۳﴾ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرَا

سوگند به بادهایی که با شدت اشیا را پراکنده می‌کنند. پس به ابرهای گران بار سوگند. پس به کشتی‌هایی که به آسانی در حرکتند سوگند.

﴿۴﴾ فَالْمُفَسِّمَاتِ أَمْرَا ﴿۵﴾ إِنَّمَا تُوَعَّدُونَ لَصَادِقٌ ﴿۶﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَوَاقِعُ

پس به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند سوگند. همانا آنچه وعده داده می‌شوید قطعاً راست است. و حتماً (روز) جزا واقع شدنی است.

#### نکته‌ها:

- «ذاریات» جمع «ذاریة» به معنای بادهای شدید، از «ذرو» به معنای پاشیدن و پراکندن است. «وقر» به معنای بار سنگین و مراد از آن در اینجا ابرهای پرباران می‌باشد. «جاریات» به معنای کشتی‌ها یا نهرهای روان است.
- بر اساس روایات، مراد از «ذاریات»، بادها و مراد از «حاملات»، ابرها و مقصود از «جاریات»، کشتی‌ها و منظور از «مقسمات»، فرشتگانی هستند که ارزاق را تقسیم می‌کنند.<sup>(۱)</sup>
- «یسر»، ضد «عسر» و به معنای آسانی است. مراد از «فالجاريات يُسْرَا» کشتی‌هایی است که به آسانی و آرامی حرکت می‌کنند.
- بادها که عامل حرکت کشتی‌ها و ابرها که مایه‌ی برکت زمین هستند، در این آیات مورد

۱. تفسیر نورالثقلین.

سوگند خداوند واقع شده‌اند.

حیات بشر، حیوانات و گیاهان در گرو باران است و بادها در جابجا نمودن ابرها، تعديل هوا و لفاح گیاهان نقش مهمی دارند.

■ نقش کشتی در زندگی گذشته و حال بشر بر کسی پوشیده نیست. وسیع‌ترین، ارزان‌ترین و کم حادثه‌ترین راه‌ها، راه‌های دریایی و سفر با کشتی است. زمانی نقش آن معلوم می‌شود که چند روزی کشتی‌های جهان متوقف شوند.

■ امام رضا علی‌الله فرمود: مراد از «المقیمات امرأ» ملائکه‌ای هستند که ارزاق مردم را بین طلوع فجر تا طلوع خورشید هر روز تقسیم می‌کنند.<sup>(۱)</sup>

■ در تقسیم ارزاق، به هر فرد و قبیله و منطقه‌ای، سهمی و چیزی داده می‌شود و چیز دیگری داده نمی‌شود، تا برای جبران کمبود، مسئله مشارکت، تعاؤن، رقابت، تجارت، حرکت و ابتکار راه بیفتند و هیچ فرد و قبیله‌ای، خود را از هر جهت بی‌نیاز نبیند و دست به طغیان نزنند. آری تنگناها در کنار گشايش‌ها، به طور حکیمانه‌ای قرار گرفته است. «قرن بسعتها عقابیل فاقتها»<sup>(۲)</sup>

■ توجه به قدرت‌نمایی خداوند در باد و ابر و کشتی، پذیرفتن معاد را برای انسان آسان می‌کند. در آغاز این سوره با چهار سوگند پیاپی، قطعی بودن وقوع قیامت بیان شده است.

■ حروف «اَفَ» و «اَنْ»، حرف «لَام» در کلمات «لصادق» و «لواقع» و جمله اسمیه، همه نشانه‌ی تأکید هستند.

■ نمونه‌هایی از وعده‌های الهی که در دنیا محقق شده است: خداوند به مادر موسی دستور داد که نوزادش را به آب افکند و به او فرمود: ما او به تو برمی‌گردانیم و از پیامبرانش قرار می‌دهیم، «اَنَا رَادُوهُ الِّيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»<sup>(۳)</sup> این وعده بزرگ صورت پذیرفت.

خداوند به پیامبر اسلام وعده داد که تو را در برابر مسخره کنندگان کفایت می‌کنیم، «اَنَا

۱. من لا يحضر، ج ۱، ص ۵۰۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

۳. قصص، ۷.

کفیناک المستهزئین»<sup>(۱)</sup> و عده داد نام تو را بلند می‌گردانیم، «و رفعنا لک ذکرک»<sup>(۲)</sup> و به وعده‌های خود عمل کرد.

خداؤند، بارها پیروزی حق بر باطل و خوش عاقبتی اهل تقوی را وعده داده و به وعده‌اش عمل کرده است. نام امام حسین علیهم السلام ماند و نام قاتلان او محو شد.

▣ کسانی به وعده خود عمل نمی‌کنند که یا عاجزند، یا حیله‌گر و یا فراموش‌کار و ذات مقدس الهی از تمام این عیب‌ها به دور است.

### پیام‌ها:

۱- سوگند به پدیده‌های طبیعی همچون ابر و باد و باران، توجه اسلام را به کشف قوانین هستی و تدبیر حاکم بر آنها در جهت خداشناسی نشان می‌دهد. «و الذاريات... فالحملات... فالغاريات...»

۲- خداوند امور انسان را از طریق فرشتگان به انجام می‌رساند. «والمقسمات امرأ»

۳- قرآن، برای اعتلای فکر بشر، او را به محسوسات و غیر محسوسات، متوجه می‌سازد. «والذاريات... والمقسمات امرأ»

۴- در برابر تردید دیگران، باید با قاطعیت و صلابت و صراحة از حق سخن گفت. «اما توعدون لصادق» (کلمه آئما و حرف لام، برای تأکید است)

۵- وعده معاد و سرانجام جهان، مستمر و پی در پی بوده است. «توعدون»

۶- خداوندی که در هستی آن همه قدرت‌نمایی کرده است، از عمل به قولش عاجز نیست. «اما توعدون لصادق»

۷- این همه اسباب طبیعی و غیر طبیعی، (باد و ابر و کشتی و فرشته)، تنها خوردن و مردن و نیست شدن نیست. «و ان الدين لواقع»

۸- خداوند، هم به وعده‌هایی که در دنیا داده عمل می‌کند و هم به وعده‌هایی که برای آخرت داده است. «اما توعدون لصادق و ان الدين لواقع»

﴿٧﴾ وَالسَّمَاءُ ذَاتُ الْحُبُكِ ﴿٨﴾ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ

سوگند به آسمان دارای راه‌ها (و زیبایی‌ها)ی بسیار. همانا شما در گفتار گوناگون (سرگردان) هستید.

﴿٩﴾ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أَفَكَ

هر که از حق منصرف گشت، (در آینده نیز) به انحراف کشیده خواهد شد.

﴿١٠﴾ قُتِلَ الْخَرَاصُونَ ﴿١١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ

مرگ بر دروغ زنان (که بی‌دلیل و برهان درباره قرآن و قیامت سخن می‌گویند). آنان که در بی‌خبری و غفلت غرقند.

### نکته‌ها:

■ کلمه «حُبُك» جمع «حبکه» و «حبک» به سه معنای راه، زینت و اعتدال آمده است که برای هر یک از معانی در قرآن شاهدی وجود دارد:

«لقد خلقنا فوقكم سبع طائق»<sup>(۱)</sup> ما بالای سر شما هفت راه آفریدیم.

«زَيَّنَّا السَّمَاوَاتِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ»<sup>(۲)</sup> ما آسمان دنیا را با ستارگان، زینت دادیم.

«وَالسَّمَاءُ رَفِعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»<sup>(۳)</sup> آسمان را برافراشت و توازن برقرار کرد.

■ «یؤفک» از «افک» به معنای منصرف ساختن و به انحراف کشاندن است. لذا به دروغ که مایه‌ی انحراف است، افک گویند.

■ «خراس» از «خرص»، به سخنی گفته می‌شود که پایه علمی ندارد و بر اساس گمان، تخمين و حدس است. «غمرة» به آب فراوانی گفته می‌شود که عمق آن پیدا نباشد و مراد از آن در اینجا جهالت و ندانی عمیقی است که انسان را فraigیرد.

■ عده‌ای کارشنان شایعه‌سازی بر اساس حدس، پندار، القای بافت‌های خود به دیگران و

ایجاد تردید در آنهاست. معمولاً شایعه را دشمن سفارش می‌دهد، منافقین تولید می‌کنند و افراد ساده لوح می‌پذیرند.

◻ امام باقر علیه السلام در باره «یوفک عنہ مَنْ أَفْكَ» فرمودند: کسی که از ولایت اهل بیت پیامبر علیه السلام سریچی کند، از بهشت بازخواهد ماند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

۱- کسی که اهل منطق نباشد، هر لحظه حرفی می‌زند. لذا راه مستقیم یکی است، ولی بیراهه زیاد است. عقیده حقّ یکی است ولی ناحق زیاد است. «آنکم لف قول مختلف»

۲- مخالفان، درباره پیامبر اکرم علیه السلام سخنان مختلفی می‌گفتند، از قبیل: شاعر، کاذب، شاگرد دیگران، جادوگر، جادو شده، مججون، کمک گیرنده از دیگران، بازگو کننده افکار و افسانه‌های پیشینیان و امثال آن. «آنکم لف قول مختلف»

۳- هر انحراف، لغزش و گناهی، زمینه‌ساز انحرافات، لغزش‌ها و گناهان دیگری است. «یوفک عنہ مَنْ أَفْكَ»

۴- سخن گفتن بی‌دلیل و بی‌اساس و تکیه بر حدس و گمان، زمینه‌ی دریافت لعنت الهی است. «قتل الخرّاصون»

۵- شعار مرده باد...، شعاری قرآنی است. «قتل الخرّاصون»

۶- جامعه اسلامی باید با قاطعیت، افراد نااهل را طرد نماید. «قتل الخرّاصون»

۷- حدس و گمان و اشتباه، گاهی برای افراد پیدا می‌شود، لکن خطر آنجاست که کار انسان، حدس زدن و عمر انسان در خطأ و غفلت غرق باشد. «الخرّاصون... فی غمرة ساهون...» (تکیه گاه انسان باید علم و دانش باشد نه حدس و گمان)

۸- کسی که در غفلت و اشتباه غرق شده و در دنیای حدس زندگی می‌کند، ارزش حیات و زندگی ندارد. «قتل الخرّاصون الّذين هم فی غمرة ساهون»

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۲۲.

﴿۱۲﴾ يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الْدِينِ ﴿۱۳﴾ يَوْمٌ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ

می پرسند روز جزا چه وقت است. روزی است که آنها بر آتش سورزانده می شوند.

﴿۱۴﴾ ذُوقُوا فِتْنَكُمْ هَذَا أَلَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

(به آنان گفته می شود) عذابتان را بچشید، این همان عذابی است که درباره آن عجله داشتید.

#### نکته ها:

- «فتنه» در اصل به معنای گداختن طلا و نقره در آتش برای جداسازی خالص از ناخالصی های آن است و در اینجا به معنای شدت عذاب کفار است.
- منکران، به انبیا می گفتند: «فَأَتَبِعْنَا تَعْذِيبَنَا»<sup>(۱)</sup> آن عذابی که خبر می دادی برای ما بیاور. در اینجا قرآن می فرماید: این همان عذابی است که آن را با عجله درخواست می کردید.
- سیمای دوزخیان منحرف: تنافق گویی می کنند، «فَقُولُ مُخْتَلِفٍ» از حق روی می گردانند، «يُؤْفَكُ عَنْهُ مِنْ أَفْكَ» در سهو و اشتباه غرق می شوند، «فِي غَمْرَةِ سَاهُونَ» نظام فکری خود را بر حدسیات استوار می سازند، «الخَرَّاصُونَ» پندرهای بی اساس و سوالات نابجا دارند و در تحقق وعده های الهی شتاب می ورزند. «يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ»

#### پیام ها:

- ۱- پرسیدن برای فهمیدن، مانع ندارد، اما اگر برای بهانه جویی و انکار حقیقت باشد، قابل توبیخ است. «يَسْأَلُونَ»
- ۲- ندانستن جزئیات، دلیل نپذیرفتن اصول نیست. گروهی به خاطر ندانستن زمان قیامت، از پذیرفتن اصل معاد سر باز می زندند. «يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ»
- ۳- با کسانی که در صدد انکار حقایقند، باید با قاطعیت برخورد کرد. «يَوْمٌ هُمْ عَلَى

۱. اعراف، ۷۰ و ۷۷ و هود، ۳۲.

النار يفتون

۴- کیفر قیامت ساخته دست خود انسان است. «ذوقوا فتنتکم»

۵- کفار با آتش، عذاب جسمی می‌شوند و با خطاب «ذوقوا» عذاب روحی.

«النار - ذوقوا»

﴿۱۵﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعِيُونٍ ﴿۱۶﴾ إِاخِذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ  
إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ

همان‌ا اهل تقوی در باغ‌ها و (کنار) چشم‌ها (جای دارند و آنچه را پروردگارشان

به آنان عطا کند دریافت می‌دارند، آنان قبل از آن (در دنیا) نیکوکار بودند.

﴿۱۷﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ الْأَلَيلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿۱۸﴾ وَبِالْأَسْخَارِ هُمْ  
يَسْتَغْفِرُونَ ﴿۱۹﴾ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

(برنامه‌شان این بود که) اندکی از شب را می‌خوابیدند. و در سحرگاهان،

استغفار می‌کردند. و در اموالشان، برای سائل و محروم حقی بود.

### نکته‌ها:

■ «یه‌جعون» از «هجوع» به معنای خواب شبانه است. آیه ۱۷ دو گونه معنا می‌شود: یکی آنکه متّقین، بیشتر شب را بیدارند و اندکی از آن را می‌خوابند، دیگر آنکه متّقین، بیشتر شب‌ها به عبادت بر می‌خیزند و کم است شب‌هایی که آنها تماماً در خواب باشند و برای عبادت بر نخیزند. چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره «کانوا قلیلاً من اللیل ما یه‌جعون» پرسیدند، فرمود: شب‌های کمی اتفاق می‌افتد که آنان بخوابند و در آن قیامی (برای عبادت) نداشته باشند.<sup>(۱)</sup>

■ نباید منتظر ماند تا محرومان سؤال خود را مطرح کنند و بعد ما اقدام کنیم، باید آبرو و

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۴۶.

حرمت افراد حفظ شود.

▣ امام صادق علیه السلام فرمود: برترین زمان برای دعا، وقت سحر است. چون خداوند فرموده است: «و بالاسحار هم یستغفرون»<sup>(۱)</sup>

▣ امام صادق علیه السلام درباره «و بالاسحار هم یستغفرون» فرمود: مراد، هفتاد مرتبه استغفار کردن در نماز و تر نماز شب است.<sup>(۲)</sup>

▣ امام باقر و امام صادق علیه السلام فرمودند: مراد از محروم در آیه، کسی است که مشکل عقلی ندارد ولی رزق او توسعه نیافته است. «لیس بعله بأس و لم یبسط له في الرزق»<sup>(۳)</sup>

گویا این حدیث، پاسخ کسانی است که گمان می‌کنند رزق وسیع آنان به خاطر علم و تدبیر و زرنگی و تخصص و عقلشان است، لذا امام فرمود: افراد عاقلی هستند که علی رغم تلاش و کوشش، باز هم چرخ زندگی آنان نمی‌چرخد.

### پیام‌ها:

۱- برای هدایت و ارشاد مردم، باید عنصر تشویق و تهدید بهم پیوسته باشد.  
«ذوقوا فتنتكم... ان المتقين في جنات...»

۲- برای تقوی پیشگان، نه یک باغ و چشم، که باغها و چشم‌های با عظمتی است. «جناتٍ و عيونٍ» (تنوین نشانه عظمت است)

۳- چشم پوشی از لذت‌های فانی و زودگذر، کامیابی دائمی را به همراه دارد. «ان المتقين في جنات... آخذین...»

۴- علاوه بر چشم‌ها و باغ‌ها، بهشتیان هر لحظه از طرف پروردگار، نعمت تازه‌ای دریافت می‌کنند. «آخذین ما اتاهم ربهم»

۵- آنچه به بهشتیان عطا می‌شود، در شأن ربویّت خداوند است. «اتاهم ربهم»

۶- عطاهای بهشتی را، ذات مقدس خداوند به متّقین می‌دهد. «اتاهم ربهم» (نظیر آیه ۳۱ سوره انسان که می‌فرماید: «سقاهم ربهم» خدا آنان را سیراب می‌کند).

۱. مستدرک، ج ۵، ص ۲۰۰. ۲. تهذیب، ج ۲، ص ۱۳۰. ۳. کافی، ج ۳، ص ۵۰۰.

- ۷- آن کس که در این دنیا رنج نبرد، به گنج جاودان آخرت نخواهد رسید. «امّم کانوا قبل ذلك محسنين» آری برداشت آخرت نتیجه کشت دنیوی است.
- ۸- لازمه‌ی تقوا، احسان و نیکوکاری است. «المتقين... محسنين»
- ۹- پاداش الهی، با عملکرد انسان همگون است. پاداش نیکی به دیگران در امروز سبب دریافت نیکی فرداست. «آخذين... محسنين»
- ۱۰- نیکوکاری باید سیره دائمی انسان باشد. «کانوا... محسنين»
- ۱۱- شب زنده‌داری، از نشانه‌های متقین است. «قليلًا من الليل ما يهجعون»
- ۱۲- نماز و نیایش در شب و استغفار در سحر، کار دائمی متقین است. «يهمعون، يستغفرون» (فعل مضارع نشانه تداوم و استمرار است)
- ۱۳- همه انسان‌ها حتّی متقین در معرض لغزش هستند و به استغفار نیاز دارند. «المتقين... هم يستغفرون» (آمدن کلمه «هم» یعنی اهل تقوی با داشتن تقوی باز دائمًا استغفار می‌کنند).
- ۱۴- در تهجد و سحرخیزی، از میان تمام اذکار و دعاها، استغفار جایگاه ویژه‌ای دارد. «و بالاسحار هم يستغفرون»
- ۱۵- استغفار در سحر، اوچ عبادت است. «و بالاسحار هم يستغفرون»
- ۱۶- اسلام مکتب جامعی است و عبادت در شب را با خدمت به محرومان در کنار هم قرار داده است. «و بالاسحار هم يستغفرون و في اموالهم...»
- ۱۷- گروهی از مردم، محروم‌اند اما سؤال نمی‌کنند، باید به آنان نیز توجّه شود. «للسائل والمحروم»
- ۱۸- کمکی که به سائل و محروم می‌کنید، حق خودشان را می‌دهید، زیرا خداوند در اموال مردم حقی برای آنان قرار داده است، پس بر آنان مُنَّ نگذارید. «حق للسائل والمحروم»
- ۱۹- لازمه‌ی تقوا، فقر و نادری نیست و می‌توان متّقی ثروتمند بود. زیرا قرآن می‌فرماید: در اموال آنان، حقی برای محروم‌مان است. پس آنان باید به قدری

درآمد و ثروت داشته باشند که علاوه بر تأمین نیازهای زندگی خود، به دیگران نیز کمک کنند. «المتقین... فی اموالهم حق للسائل و المحروم»

﴿۲۰﴾ وَ فِي الْأَرْضِ ءَايَاتُ لِلْمُوقِنِينَ ﴿۲۱﴾ وَ فِي ~أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿۲۲﴾ وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ

و در زمین برای اهل یقین، نشانه‌هایی است. و در (آفرینش) خودتان (نیز نشانه‌هایی از قدرت، عظمت و حکمت الهی است). پس چرا (به چشم بصیرت) نمی‌نگرید؟ و (تقدیر و تدبیر) رزق شما و آنچه وعده داده می‌شوید، در آسمان و عالم بالاست.

﴿۲۳﴾ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌ مِثْلُ مَا أَنْكَمْ تَنطِلُونَ

پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند، این سخن ما حق است همچنان که شما سخن می‌گویید. (همان طور که در سخن گفتن خود شک نمی‌کنید، در گفته‌های ما نیز شک نکنید).

#### نکته‌ها:

- قرآن، شرط هدایت شدن و به یقین رسیدن از طریق آیات طبیعت و کتاب شریعت را، دل آماده می‌داند: «آیات للموقنین»، «القوم يسمعون»<sup>(۱)</sup>، «القوم يتفكرون»<sup>(۲)</sup>، «القوم يعقلون»<sup>(۳)</sup>، «لکل صبار شکور»<sup>(۴)</sup>، «القوم يؤمنون»<sup>(۵)</sup>، «الاولى الْهُمَى»<sup>(۶)</sup>، «الآیات للمتوسمین»<sup>(۷)</sup>، «الآیات للعالیین»<sup>(۸)</sup> و «هدی للمتقین»<sup>(۹)</sup>.
- در آفرینش زمین و انسان نکات بسیاری نهفته است از جمله: حجم زمین، مساحت و عمق آن، کوهها و دره‌ها، فاصله آن با خورشید و کرات دیگر، حرکات

---

۱. یونس، ۶۷	۲. رعد، ۳	۳. رعد، ۴
۴. ابراهیم، ۵	۵. نحل، ۷۹	۶. طه، ۱۲۸
۷. حجر، ۷۵	۸. روم، ۲۲	۹. بقره، ۲

گوناگون زمین، معادن پیدا و نایپیدا، روئیدنی‌ها، آب‌های ذخیره شده، رنگ‌ها، سنگ‌ها، خاک‌ها، میوه‌ها، گیاهان، تصفیه کنندگی زمین، تأمین کننده تمام نیازهای ساکنان آن و دارا بودن مواد غذایی برای تغذیه همه حیوانات و انسان‌ها، که برای طالبان یقین نشانه‌های قدرت و حکمت خداوند است.

حالات مختلف بدن، از نطفه تا مراحل بعد، نشانه قدرت اوست. غراییز گوناگون انسان نشانه حکمت و علم او به نیازهای انسان است.

هماهنگی میان حواس بدن و عدم اصطکاک آنها با یکدیگر، نظام استخوان‌بندی و اعصاب، دستگاه تنفس، دستگاه گوارش، دستگاه بینایی و شنوایی، نظام دفاعی، همه و همه نشانه‌هایی از خداوند قادر متعال است.

■ حضرت علی علیہ السلام می فرماید: خداوند تو را شنوا و بینا آفرید، هم شاد می‌شوی و هم غضبنیک، هم گرسنگی را احساس می‌کنی و هم سیری را.<sup>(۱)</sup>

■ مردم به خاطر ضعف ایمان به مقدار بودن رزق، گرفتار گناه، سرقت، کم فروشی، حرص، بخل و انواع خلافکاری‌ها می‌شوند.

■ نزول رزق، با حساب و کتاب دقیق است، «عندنا خزانه و ما نزّله الا بقدر معلوم»<sup>(۲)</sup> اصل و سرچشمہ نزد ماست و ما جز به مقدار معلوم، فرو نمی‌فرستیم.

■ آیه «فِ السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تَوعَدُونَ» را چند نوع می‌توان معنا کرد:  
الف. مراد باران باشد که از آسمان نازل می‌شود و همچنین نور و ابر و باد و...  
ب. مراد آن باشد که تقدیر امور زمینیان در آسمان‌هاست.  
ج. رزق ابدی که بهشت است در آسمان‌هاست.

د. تحقق وعده‌های الهی (نزول رحمت یا عذاب) از سمت آسمان است.<sup>(۳)</sup>

■ «مثل ما انکم تنتظرون» یعنی همان اندازه که سخن گفتن شما برایتان محسوس است و واقعیت دارد، وعده‌های الهی نیز همین گونه است، پس در آنها شک نکنید.

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. حجر، ۲۱.

۳. تفسیر راهنما.

## پیام‌ها:

- ۱- نشانه‌های قدرت و حکمت الهی در زمین، همراه با پیشرفت علم و کشف اسرار طبیعت، روز به روز آشکارتر می‌شود. «و فی الارض آیات...»
- ۲- آیات و نشانه‌های الهی در زمین، بسیار زیاد و قابل توجه است. «و فی الارض آیات» (کلمه «آیات» جمع و نکره آمده که بیانگر تعدد و عظمت است).
- ۳- خداشناسی، باید بر اساس یقین و بصیرت باشد. «و فی الارض آیات للموقنین»
- ۴- تا روحیه باور در انسان نباشد، نعمت‌ها نشانه خداوند شمرده نمی‌شود.
- ۵- مطالعه طبیعت، راه تقویت ایمان و باور توحیدی است. «آیات للموقنین»
- ۶- وجود انسان به قدری با عظمت است که خداوند آن را هم ردیف کرده زمین قرار داده است. «فی الارض... فی انفسکم»
- ۷- خودشناسی، راه خداشناسی است. «آیات للموقنین... فی انفسکم»
- ۸- مشکل اساسی کفار و بی‌دینان، سطحی نگری آنان است و خداوند آنان را از این جهت مورد توبیخ قرار می‌دهد. «اَفْلَا تَبْصِرُونَ» (بصیرت، به معنای نگاه عمیق و دقیق است)
- ۹- نگاهی که همراه با بصیرت نباشد، قابل توبیخ و سرزنش است. «أَفْلَا تَبْصِرُونَ»
- ۱۰- سرچشممه‌ی رزق، در آسمان است. (باران، نور، باد، ابر و هوا و...) «و فی السماوات رزقکم»
- ۱۱- هرگونه خیر و برکت یا قهر و عذاب الهی، به عنوان پاداش یا کیفر از آسمان نازل می‌گردد. «فی السماوات مَا تَوعَدُونَ»
- ۱۲- آسمان و زمین، تحت ربویّت و تدبیر الهی در مسیر کمال است. «فَوَرَبُّ السماوات والارض»
- ۱۳- تأمین و تقدیر روزی زمینیان در آسمان‌ها، نمودی از ربویّت گسترده خداوند در آسمان و زمین است. «فَوَرَبُّ السماوات والارض»

۱۴- قدرت نطق و سخن گفتن، از موهب ویژه پرورده‌گار به انسان است که خداوند برای حقیقی بودن سخن و وعده‌ی خود، به سخن گفتن بشر مثل می‌زند. «انه لحقٌ مثُل ما انکم تُنطقون»

﴿۲۴﴾ هَلْ أَتَكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿۲۵﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ

آیا داستان میهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ آنگاه که براو وارد شدند و سلام گفتند. (ابراهیم در پاسخ) گفت: سلام، شما را نمی‌شناسم.

﴿۲۶﴾ فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿۲۷﴾ فَقَرَبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

پس پنهانی به سراغ خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بربان شده‌ای) را آورد. پس غذا را نزدیک مهمانان گذارد، (ولی با تعجب دید دست به سوی غذا نمی‌برند)، گفت: چرا نمی‌خورید؟!

### نکته‌ها:

- «rag» به معنای آن است که انسان به گونه‌ای از حضور حاضران بیرون برود که نفهمند برای چه کاری می‌رود.
- گروهی از فرشتگان برای بشارت تولد فرزند، به خانه حضرت ابراهیم وارد شدند. اما آن حضرت آنان را نشناخت ولی با این حال به خانه دعوت کرد و اسباب پذیرایی را فراهم نمود. اما چون دید که غذا نمی‌خورند نگران شد و دلیل آن را پرسید و آنان خود را معرفی کردند.
- در مواردی، فرشتگان به شکل انسان ظاهر شده‌اند که برخی از آنها در قرآن آمده است، همچون: نزول جبرئیل بر حضرت مریم، حضور هاروت و ماروت در حکومت سلیمان و نزول فرشتگان بر حضرت ابراهیم.

## آداب مهمانی

- از این آیات و آیات پس از آن، برخی آداب مهمانی به دست می‌آید که به آن اشاره می‌کنیم:
۱. مهمان، محترم است. «ضیف... المکرمین»
  ۲. مهمان، وقتی وارد شد، سلام کند. «قالوا سلاماً»
  ۳. جواب سلام او لازم است. «قال سلام»
  ۴. صاحب خانه دور از چشم مهمان به سراغ تهیه غذا برود. «فراغ»
  ۵. غذا را در خانه تهیه کنیم. «الى اهله»
- عِ پذیرایی سریع باشد. «فجاء» (حروف «فاء» نشانه سرعت و زمانی کوتاه است)
۶. بهترین غذاها فراهم شود. «بعجل سین»
  ۷. مهمان را نزد سفره نبریم، بلکه سفره را نزد مهمان بیاندازیم. «فقرّبه اليهم»
  ۸. از مهمان نپرسیم که غذا خورده‌ای یا نه. «فراغ الى اهله فجاء» (حضرت ابراهیم بدون پرسش به سراغ خانواده و تهیه غذا رفت)
  ۹. شخصاً از مهمان پذیرایی کنیم. «فجاء» (خود حضرت غذا آورد)
  ۱۰. غذا در دسترس مهمان باشد. «فقرّبه اليهم»
  ۱۱. مهمان غذا را بپذیرد و میل کند، که صاحب خانه دغدغه نداشته باشد. «الا تأکلون»
  ۱۲. اول پذیرایی، بعد گفتگو. «فجاء بعجل سین...» بعد پرسیدند: «فما خطبكم ايه المسلون»
  ۱۳. اگر مهمان خبر تلغ و شیرینی دارد، اول خبر شیرین و سپس تلغ را عنوان کند. «بشرنا... ارسلنا الى قوم مجرمين» (ابتدا بشارت فرزند سپس نزول عذاب بر مجرمان)

## پیام‌ها:

- ۱- سرگذشت ابراهیم و مهمانان او شایان شنیدن و آموختن است. «هل اتاك»
- ۲- در ارشاد و هدایت، هم از شیوه تمثیل استفاده کنیم و هم از شیوه داستان. «مثل انکم تنطقون هل اتاك حدیث...»
- ۳- مهمانی، یک ارزش و گرامی داشتن مهمان، سیره‌ی ابراهیمی است. «ضیف ابراهیم المکرمین»

- ۴- در سلام کردن، همه‌ی واردان سلام کنند نه بعضی. «فالو سلاماً»
- ۵- سلام کردن، باید سریع و بلا فاصله پس از ملاقات باشد. «فالو» (حرف «فاء» نشانه سرعت و زمانی کوتاه است)
- ۶- آغاز سخن با سلام، یک ادب آسمانی حتی میان فرشتگان است. «فالو سلاماً»
- ۷- سلام دیگران را پاسخ دهیم گرچه ناشناس باشند. «قال سلام قوم منکرون»
- ۸- مهمان گرامی است، گرچه ناشناس باشد. «ضييف... المكرمين... قوم منکرون»
- ۹- علم حضرت ابراهیم پیامبر، محدود بود. «قوم منکرون» (مهمانان را نشناخت)
- ۱۰- از مهمانان ناشناس نیز پذیرایی کنیم. «قوم منکرون فراغ الى اهل...»
- ۱۱- آشپزخانه نباید در معرض دید مهمان باشد. «فراغ الى اهله فجاء...»
- ۱۲- زن و مرد در تهیه غذا و پذیرایی از مهمان، مشارکت کنند. «فراغ الى اهله فجاء»
- ۱۳- میزبان باید نسبت به پذیرایی از میهمان و حالات او حساس باشد. «فقریبه  
الیهم قال ألا تأكلون»
- ۱۴- فرشته حتی اگر به صورت انسان درآید غذا نمی‌خورد. «قال ألا تأكلون»

**﴿۲۸﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخْفُ وَبَشِّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ**

پس ابراهیم از (غذا نخوردن) مهمانان در درون خود احساس ترس کرد، آنان به او گفتند: نترس (ما فرشتگان الهی هستیم) و آنگاه اورا به نوجوانی دانا بشارت دادند.

**﴿۲۹﴾ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَةٌ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ**

پس همسر ابراهیم (با شنیدن مژده فرزند) فریادکنان پیش آمد و به صورت خود زد و گفت: پیرزنی نازا (چگونه صاحب فرزند شود)؟!

**﴿۳۰﴾ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ**

(فرشتگان به ابراهیم) گفتند: پروردگار تو این گونه گفته و البته او حکیم و داناست.

**نکته‌ها:**

- ◻ «أوجس» از «ایجاس» به معنای احساس امری در درون است. «خیفة» از «خوف» به معنای ترس است و تنوین آن، تنویع و برای بیان نوع است، یعنی نوعی ترس ابراهیم را فراگرفت. «صرّة» به معنای داد و فریاد و یا به معنای جماعت و گروه است. «صَكَّ» به معنای ضربه محکم و سیلی، «عجوز» به معنای عاجز و پیر و «عَقِيم» به معنای نازا است.
- ◻ ساره، همسر اول حضرت ابراهیم نازا بود و لذا ابراهیم، هاجر را به همسری گرفت. اما خداوند به هنگام پیری این زن، بشارت فرزند به او می‌دهد و او که پذیرش چنین امری برایش مشکل است، ناله و فریاد بر می‌آورد که من در جوانی نازا بودم، اکنون که پیر شده‌ام و به طور طبیعی هیچ زمینه‌ای برای فرزنددار شدنم نیست.
- ◻ این آیات مربوط به فرزندار شدن حضرت ابراهیم از طریق ساره و منظور از «غلام علیم» اسحاق است. البته در آیه ۱۰۱ سوره صافات، بشارت تولد اسماعیل از طریق هاجر، با تعبیر «غلام حلیم» آمده است.
- ◻ آن ترسی مورد انتقاد است که ترس از دشمن و در جبهه‌گیری مقابل کفر باشد و گرنده ترس و نگرانی طبیعی که برای هر انسانی به طور ناخود آگاه پیدا می‌شود، برای انبیا عیب نیست.

**پیام‌ها:**

- ۱- غذا نخوردن مهمان باید موجب نگرانی میزبان گردد. **﴿فَاوْجِسْ مِنْهُمْ خِيفَةٌ﴾**
- ۲- انبیا از جنس بشر بوده‌اند و مثل سایر مردم گاهی ترس و نگرانی‌هایی پیدا می‌کردند. **﴿فَاوْجِسْ مِنْهُمْ خِيفَةٌ﴾**
- ۳- هر رفتار و حرکتی هرچند ساده و کم اهمیت (همچون غذا نخوردن)، اگر موجب نگرانی دیگران شود، باید به نوعی جبران شود تا نگرانی برطرف گردد. **﴿أَلَا تَأْكُلُونَ - فَاوْجِسْ مِنْهُمْ خِيفَةٌ - لَا تَخْفُ وَبَشِّرُوهُ﴾**
- ۴- کمال فرزند، به علم و دانش است. **﴿بَغْلَامٌ عَلِيْمٌ﴾**
- ۵- انبیا، گاهی از طریق فرشتگان از آینده با خبر می‌شدنند. **﴿بَشِّرُوهُ بَغْلَامٌ عَلِيْمٌ﴾**
- ۶- زن، موجودی احساسی و عاطفی است و در مقابل آنچه می‌شنود معمولاً

- خیلی زود عکس العمل نشان می‌دهد. «فِ صَرْرَةٍ فَصَكَّتْ»
- ۷- مرد نباید مانع بروز احساسات طبیعی زن شود. «فِ صَرْرَةٍ فَصَكَّتْ» (حضرت ابراهیم مانع ابراز احساسات همسرش نشد)
- ۸- قدرت خداوند محدودیت ندارد. از پیرزنی ناز، فرزندی با استعداد به دنیا می‌آورد. «غَلَامٌ عَلِيمٌ... عَجُوزٌ عَقِيمٌ»
- ۹- اراده خداوند، بر عوامل طبیعی حاکم است. «قَالُوا كَذَلِكَ...»
- ۱۰- دادن‌ها و ندادن‌های الهی، همه عالمانه و حکیمانه است. «أَنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ» (خداوند در جوانی به ابراهیم و همسرش فرزند نمی‌دهد و در پیری، پسری می‌دهد که پیامبر می‌شود).

## ﴿۲۷﴾ آغاز جزء

﴿۳۱﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَئْيُهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿۳۲﴾ قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿۳۳﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ طِينٍ

(ابراهیم) گفت: پس ای فرستادگان، کاری که به دنبال آن آمده اید چیست؟

گفتند: ما به سوی قومی ستمپیشه فرستاده شده ایم. تا (برای هلاکتشان) سنگ هایی از گل بر آنان فرو ریزیم.

﴿۳۴﴾ مُسَوْمَةً عِنْدَ رِتَّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿۳۵﴾ فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۳۶﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ

(سنگ هایی که) نزد پروردگارت برای (نابودی) مسروfan نشاندار شده اند.

پس هر کس از مؤمنان که در آنجا بود بیرون کردیم و از مسلمانان به جز یک خانه در آنجا نیافتیم.

﴿۳۷﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا ءَايَةً لِّلّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْآَلِيمَ

و در آن (دیار چیزی باقی نگذاشتیم و تنها) برای کسانی که از عذاب دردنگ می ترسند، نشانه ای (برای عبرت) قرار دادیم.

## نکته ها:

- «خطب»، کار مهمی است که شخص به دنبال انجام آن است و «مسوّمة» یعنی نشاندار.
- حضرت لوط از بستگان حضرت ابراهیم و در زمان آن حضرت در منطقه سدوم در اردن به تبلیغ مردم مشغول بود. قوم او اهل فحشا و لواط بودند و به هشدارهای حضرت لوط گوش ندادند. خداوند منطقه آنان را زیر و رو کرد. داستان این قوم در سوره های اعراف، هود، حجر و عنکبوت نیز آمده است.
- سلسله مراتب باید مراعات شود. حضرت ابراهیم پیامبر اولوا العزم زمان خود بود و لذا در

مسئله‌ی هلاکت قوم لوط، ابتدا فرشتگان به محضر ابراهیم می‌آیند و مأموریت خود را می‌گویند و سپس نزد حضرت لوط می‌روند.

❑ قهر و عذاب الهی به وسیله سنگباران «حجارة من طين»، علاوه بر قوم لوط بر اصحاب فیل نیز فرود آمده است. «ترمیم بحجارة من سجیل»<sup>(۱)</sup> اصحاب فیل به حریم خانه‌ی خدا (کعبه) سوء قصد داشتند و قوم لوط به حریم خانه‌ی نبوت (حضرت لوط) سوء قصد کردند و می‌خواستند به مهمانان آن حضرت تجاوز نمایند که هر دو هلاک شدند.

❑ برای یاری حضرت لوط، فرشتگان با سنگ‌های نشان‌دار آمدند و برای یاری پیامبر اسلام در جنگ بدر، فرشتگان نشان‌دار آمدند. «يَعِدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مَسْوَمِينَ»<sup>(۲)</sup>

❑ مسلمان، تنها نام امت پیامبر اسلام نیست، بلکه به هرکس که تسلیم خداوند و پیرو ادیان آسمانی باشد مسلمان گفته می‌شود. «من المسلمين»

### پیام‌ها:

- ۱- پرسیدن عیب نیست، انبیا هم آنچه را نمی‌دانستند، می‌پرسیدند. «ما خطبكم...»
- ۲- کیفر مجرمان، تنها در آخرت نیست. «ارسلنا الى قوم مجرمين»
- ۳- مأمور کیفر مجرمان در دنیا نیز فرشتگان هستند. «لنرسل عليهم حجارة من طين»
- ۴- در قهر یا مهر الهی، همه چیز حساب و نشان دارد. «مسومة عند ربک»
- ۵- ایمان، کلید نجات است. «فاخرجننا من كان فيها من المؤمنين»
- ۶- اگر در منطقه‌ای فقط یک خانواده مسلمان باشد، باید به آنان توجه شود. «غير بيت من المسلمين»
- ۷- گرچه جامعه فاسد، بستر فساد را فراهم می‌کند، اما انسان را مجبور به فساد نمی‌کند و می‌توان در منطقه فاسد، خانواده سالم داشت. «غير بيت من المسلمين»
- ۸- گاهی فساد به قدری فraigیر می‌شود که پیامبر عزیزی مثل حضرت لوط، تنها

۱. فیل، ۳. ۲. آل عمران، ۱۵۲.

یک خانواده طرفدار دارد، آن هم نه تمام خانواده، بلکه خانواده بدون همسر.

﴿غَيْرِ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ﴾

۹- هم نعمت‌های الهی آیه و نشانه هستند و هم قهر الهی. ﴿وَتَرَكَنَا فِيهَا آيَةً﴾

۱۰- کسانی از حوادث تلخ عبرت می‌گیرند، که از عذاب قیامت، خوف داشته باشند. ﴿آيَةُ لِلّٰهِ يَعْلَمُ عَوْنَوْنَ﴾

۱۱- خوف دائمی از عذاب الهی، یک ارزش است. ﴿يَخافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾

**﴿۳۸﴾ وَفِي مُوسَىٰ إِذَا رَسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ**

و در (سرگذشت) موسی (نیز نشانه و عبرتی است)، آنگاه که او را همراه با حجّتی روشن و آشکار به سوی فرعون فرستادیم.

**﴿۳۹﴾ فَتَوَلَّىٰ بِرْكَنْهٖ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ**

پس فرعون با تکیه بر قدرت و سپاهی که داشت، روی برگرداند و گفت:  
او یا جادوگر است یا جن زده.

**﴿۴۰﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجْنُودَهُ فَنَبَذَنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ**

پس ما او و سپاهیانش را (به قهر) گرفتیم و آنان را در دریا افکنديم، در  
حالی که او سزاوار سرزنش بود.

### نکته‌ها:

- مراد از «سلطان مبین»، دلیل و برهان روشنی است که بتوان با دیگران احتجاج کرد و از راه منطقی، حجّت خود را ارائه داد.
- کلمه «نبذ» به معنای پرتاب چیزهای حقیر و ناچیز است، کلمه «ملیم» از «لوم» و «ملامت» به کسی گفته می‌شود که در خور سرزنش باشد.
- مقصود از «رُکنَه»، قدرت، لشگر، ثروت، سابقه و تبلیغات فرعون است. یعنی فرعون با اتکا به قدرت خود، به مبارزه با موسی پرداخت و از پذیرش دعوت او سر باز زد.

## پیام‌ها:

- ۱- در تاریخ انبیا، عبرت‌های فراوانی است. «وف موسی»
- ۲- برای اصلاح جامعه، باید به سراغ سرچشمه‌ها رفت. «ارسلناه الی فرعون»
- ۳- سلاح انبیا در برابر مخالفان، منطق قوی و معجزه آشکار است. «سلطان مبین»
- ۴- ارکان نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی، سبب استکبار و بی‌اعتنایی جباران و طاغوت‌ها به ندای حق می‌شود. «فتولی برکنه»
- ۵- منحرفان سعی می‌کنند انحراف خود را توجیه کنند و بهترین توجیه این است که پیامبر خدا ساحر یا مجنون معزّفی شود. «ساحر او مجنون»
- ۶- قهر الهی، بعد از اتمام حجت است. «سلطان مبین... قال ساحر... فاخذناه...»
- ۷- ارتش نباید چشم بسته مطیع هرکسی باشد. قهر الهی لشگریان فرعون را نیز فراگرفت. «فاخذناه و جنوده»
- ۸- طاغوت‌ها و تمام نیروهایشان، در برابر قهر الهی بسیار ضعیف و ناچیزند.
- ۹- منحرفان، هم گرفتار هلاکت ظاهری می‌شوند و هم ملامت درونی. «اخذناه... و هو مليم»
- ۱۰- قهر خداوند همه‌ی منحرفان را فرامی‌گیرد ولی رهبران فاسد در خور ملامت ویژه‌ای هستند. «و هو مليم» نفرمود: «و هم مليمون»

**﴿۴۱﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الْرِّيحَ الْعَقِيمَ**

و در (سرگذشت) قوم عاد نیز آنگاه که بر آنان باد نازا (ویرانگر) فرستادیم (عبرت و نشانه‌هایی است).

**﴿۴۲﴾ مَا تَدَرُّ مِنْ شَئْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتُهُ كَالرَّمِيمِ**

(این باد) هیچ چیزی را که بر آن می‌وزید باقی نمی‌گذاشت مگر آنکه آن را خرد و تباہ می‌کرد.

## نکته‌ها:

- پیامبر قوم عاد، حضرت هود بود که هرچه قومش را هشدار داد به سخنان او اعتنایی نکردند و زمینه نزول عذاب را فراهم ساختند.
- بادها، گاهی زاینده و عامل رویش و گاهی نازا و وسیله‌ی ریزش و ویرانگری هستند. «الریح العقیم» یعنی باد ویرانگر. بادی که عامل عذاب قوم عاد بود، به قدری سوزنده و مسموم کننده بود که انسان، حیوان، گیاه و هر چه را در مسیرش قرار داشت ناید می‌کرد.
- کلمه «رمیم» به معنای پوسیدگی است و «ترمیم» یعنی اصلاح پوسیدگی.
- با اینکه قوم عاد بسیار نیرومند و بلند قامت بودند ولی بادی که از قهر الهی وزید آنان را مثل استخوان پوسیده خرد و شکننده کرد.

## پیام‌ها:

- ۱- پدیده‌های طبیعی همچون باد و باران و آثار مثبت و منفی آنها به دست خداست. «ارسلنا علیهم الریح العقیم»
- ۲- بلایای طبیعی همچون خشکسالی و قحطی، می‌تواند عذاب الهی باشد. «ما تذر من شیء... جعلته کالرمیم»
- ۳- آب و باد، لشگر خدا در برابر ظالمان است. «نبذناهم فی الیم... الریح العقیم»

**﴿٤٣﴾ وَ فِي ثَمُودٍ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذْتُهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ**

و در (سرگذشت) قوم ثمود (نیز نشانه‌های عبرتی است) آنگاه که به آنان گفته شد تا زمانی (کوتاه، از زندگی) بهره ببرید. آنان از فرمان پروردگارشان سر باز زند، پس در حالی که می‌نگریستند صاعقه آنان را فراگرفت.

**﴿٤٥﴾ فَمَا أُسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ**

پس، نه توان برخاستن داشتند و نه توانستند از کسی یاری طلبند.

﴿۴۶﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلٍ إِنَّهُمْ كَانُوا أَقْوَمًا فَاسِقِينَ

و پیش از آنان قوم نوح (را هلاک کردیم، زیرا) مردمانی فاسق بودند.

**نکته‌ها:**

- پیامبر قوم شمود، حضرت صالح بود که به درخواست قومش شتری از دل کوه بیرون آورد و فرمان داد به این شتر آسیبی نرسانند، اما آنان شتر را کشتند و صالح را تکذیب کردند.
- مراد از «حقی حین»، مهلت سه روزه‌ای است که به آنان داده شد تا شاید پیشیمان شوند و توبه کنند. اما آنان از گناهان دست برنداشتند و پس از سه روز عذاب الهی نازل شد. چنانکه در آیه ۶۵ سوره هود می‌فرماید: «مَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةً إِيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ»

**پیام‌ها:**

- ۱- سنت خداوند، مهلت دادن به مجرمان است. «مَتَّعُوا حَقْيَ حِينَ»
- ۲- دستورات الهی، برخاسته از ربوبیت او و برای تربیت انسان است. «أَمْرُ رَبِّهِمْ»
- ۳- تجاوز از حدود الهی، عامل هلاکت است. «فَعْتَوْا... فَاخْذُهُمْ»
- ۴- آب، باد و صاعقه، می‌تواند ابزار قهر خداوند قرار گیرد. «الْيَمْ... الرَّبِيع... الصَّاعِقَةُ»
- ۵- دیدن نزول عذاب و توان فرار نداشتن، بیانگر اوج ذلت مجرمان است. «يَنْظُرُونَ... فَاَسْتَطَاعُوا...»
- ۶- کسانی که از گذشتگان عبرت نگیرند، خود مایه عبرت دیگران می‌شوند. (و قوم نوح من قبل...) (قوم عاد از قوم نوح که پیش از آنان بودند، عبرت نگرفتند)
- ۷- سرگذشت قوم نوح، که با هزار سال تبلیغ حضرت نوح، باز هم ایمان نیاورند، برای پیامبر و مسلمانان، مایه‌ی عبرت است. «وَ قَوْمٌ نُوحٌ مِنْ قَبْلِ...»
- ۸- بدتر از فسق، مداومت بر فسق است. «كَانُوا... فَاسِقِينَ»
- ۹- گاهی گناه، فraigیر و عمومی می‌شود و زمینه نزول عذاب را فراهم می‌سازد. «قَوْمًا فَاسِقِينَ»

﴿۴۷﴾ وَ الْسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْنِدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿۴۸﴾ وَالْأَرْضَ  
فَرَشَنَاهَا فَنَعْمَ الْمَاهِدُونَ

و آسمان را با قدرتی وصف ناپذیر بنا کردیم، و ما گسترش دهندهایم. و زمین را گسترانیدیم، پس چه نیکو گسترش دهندهایم.

﴿۴۹﴾ وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و از هر چیز دو زوج آفریدیم، باشد که یاد کنید و پند گیرید.

**نکته‌ها:**

- کلمه «أَيْدٍ» هم می‌تواند جمع «يَدٌ» به معنای دست باشد، همانند آیه «امْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بَهَا»<sup>(۱)</sup> و هم می‌تواند مصدر، به معنای قوت و قدرت باشد. چنانکه در قرآن از این ریشه، واژه‌های مختلفی به معنای تأیید آمده است، مانند: «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرٍ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ»<sup>(۲)</sup>
- کلمات «فرش» و «مهد» به معنای گستردن چیزی برای استراحت است.

**پیام‌ها:**

- ۱- آسمان در حال گسترش است و این گسترش ادامه دارد. «إِنَّا لَمُوسِعُونَ»
- ۲- قانون زوجیت در همه چیز حاکم است. «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ... زَوْجَيْنِ» (زمینگی و استمرار حیات و زندگی، به خاطر زوجیت است).
- ۳- طرح پدیده‌های طبیعی در قرآن، به خاطر پندآموزی و غفلت‌زادائی است.  
«لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»

﴿۵۰﴾ فَرُّوْا إِلَىٰ اللَّهِ إِنَّى لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

پس به سوی خدا بگریزید، که همانا من از سوی او برای شما هشداردهنده‌ای آشکارم.

﴿۵۱﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًاٰءَ أَخْرَى إِنَّى لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و با خداوند، معبد دیگری قرار ندهید که من از سوی او برای شما هشداردهنده‌ای آشکارم.

### نکته‌ها:

- در این دو آیه، دوبار پی در پی «نذیر مبین» آمده است و در آیات دیگر نیز تعبیراتی از قبیل: «كتاب مبین»<sup>(۱)</sup>، «بلاغ مبین»<sup>(۲)</sup> و «عربی مبین»<sup>(۳)</sup> آمده که همگی بیانگر روش و روشنگر بودن پیام و سخن خداوند و هشدار پیامبران است.
- نتیجه فرار به سوی خدا، فرار از ظلمات به نور، از جهل به علم، از دلهزه به اطمینان، از خرافات به حق، از تفرقه به وحدت، از شرك به توحيد و از گناه به تقوی و پرهیزگاری است. امام باقر علیه السلام سفر حج را یکی از مصاديق فرار به سوی خدا دانستند.<sup>(۴)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- انسان محدود، در برابر هزاران مسئله مادی و معنوی و در میان تمایلات حق و باطل که از خود یا دیگران بر او عرضه می‌شود، به پناهگاهی محکم نیازمند است و بهترین پناهگاه خداست. «فَرُّوْا إِلَى اللَّهِ»
- ۲- انسان، چاره‌ای جز حرکت و گریز به سوی خدا ندارد. «فَرُّوْا إِلَى اللَّهِ»
- ۳- مطالعه در هستی باید سبب توجّه انسان به خداوند و بنده‌گی او گردد. «وَالسَّمَاءُ بَنِيَّنَا... وَالأَرْضُ... وَ مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ... لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ... فَرُّوْا إِلَى اللَّهِ»

۱. حجر، ۱.  
۲. نحل، ۸۲.  
۳. شعراء، ۱۹۵.  
۴. کافی، ج ۴، ص ۲۵۶.

۴- راه انبیا، روشن و شفاف است. «نذیر مبین»

۵- پناهندگی به بیگانگان و غیر خداوند، اثری ندارد. «ولا تجعلوا مع الله...»

۶- پیامبران مأمور اندار و هشدار مردم هستند. «منه نذیر»

**﴿٥٢﴾ كَذِلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ**

**مَجْنُونٌ ﴿٥٣﴾ أَتَوْا صَوْبِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ**

(ای پیامبر!) بدین گونه (که تو را تکذیب کردند) پیشینیان اینان نیز هیچ

پیامبری برایشان نیامد مگر آنکه گفتند: جادوگر یا جن زده است. (آیا

مخالفان در طول تاریخ) به یکدیگر سفارش کردند (که با انبیا این گونه

برخورد کنند؟) نه، بلکه آنان مردمی طغیانگرد.

**﴿٥٤﴾ فَتَوَلَ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ**

پس، از آنان روی بگردان که تو مورد سرزنش نیستی.

**﴿٥٥﴾ وَذَكْرُ فِإِنَّ الْذِكْرَيْ تَنَفَعُ الْمُؤْمِنِينَ**

و (به مردم) تذکر بده که قطعاً تذکر برای مؤمنین مفید است.

#### نکته‌ها:

■ آیه‌ی ۵۲، به مانند نتیجه‌گیری از آیات گذشته و به عنوان دلداری پیامبرا کرم ﷺ است که اگر مشرکان مکه با تو چنین برخوردهایی می‌کنند، بدان که پیش از اینان نیز با پیامبران پیش از تو چنین برخوردهایی را داشته‌اند.

■ از آنجاکه پیامبر در دعوت مردم کوتاهی نکرده و حجت خدا را بر آنان تمام کرده است، لذا روی گردانی پیامبر از آنان و ترک مجادله با آنان، سرزنش و ملامتی را به دنبال ندارد.

■ این آیات در کنار فرمان به اعراض از کافران طغیانگر، به تذکر دادن به مؤمنان سفارش می‌کند تا گمان نشود که تنها کافران نیاز به هشدار و تذکر دارند. «فتول... و ذکر»

□ در شنیدن اثری است که در دانستن نیست. سوز و اخلاص و شیوه بیان گوینده می‌تواند اثری برتر در انسان بگذارد. لذا پیامبر مأمور می‌شود تا پیوسته مؤمنان را تذکر دهد.

### پیام‌ها:

- ۱- همه انبیا مخالف داشتند و مورد تهمت قرار می‌گرفتند. پس، از تهمت مخالفان نگران باش. «کذلک... قالوا ساحر او مجعون»
- ۲- بر خلاف قرآن که پیامبران را انسان‌هایی همچون دیگر انسان‌ها معرفی می‌کند، «قل اَنّا أَنَا بْشَرٌ مِّثْلُكُمْ»<sup>(۱)</sup> مخالفان سعی داشتند کارها و سخنان پیامبران را ناشی از ارتباط آنها با جن بدانند. «ساحر او مجعون»
- ۳- هماهنگی رفتار و گفتار مخالفان انبیا در طول تاریخ به نحوی است که گویا همه به یکدیگر سفارش موضع‌گیری علیه حق و تهمت سحر و جنون را می‌دادند. «أَتَوَاصُوا...»
- ۴- ریشه‌ی تهمت به انبیا، طغیان است. «قُومٌ طَاغُونَ»
- ۵- انسان در برابر افراد لجوح مسئولیتی ندارد. «فَتُولُّ»
- ۶- پس از اتمام حجت، اعراض از حق ستیزان جایز است. «فَتُولُّ عَنْهُمْ فَا انتَ بِلَوْمٍ»
- ۷- همه جا، متارکه و رها کردن کار بدی نیست. «فَتُولُّ عَنْهُمْ فَا انتَ بِلَوْمٍ»
- ۸- مبلغ، باید روحیه مخاطبان را بشناسد، نسبت به گروهی اعراض نماید، «فَتُولُّ» و نسبت به گروهی تذکر دهنده باشد. «وَذَكْرٌ»
- ۹- اگر روحیه پندپذیری نداریم، در ایمان خود شک کنیم، زیرا مؤمن پندپذیر است. «فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»
- ۱۰- اگر ایمان باشد، انسان تذکر را از هر کس می‌پذیرد. «فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» و نفرمود: «فَإِنَّ تَذَكْرَكَ»

۱۱- مبلغان دینی خسته نشوند که کارشان مفید است. «فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ...»

۱۲- مؤمنان نیز به تذکر نیازمند هستند. «فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»

۱۳- تعالیم ادیان آسمانی، در فطرت انسان‌ها ریشه دارد. وظیفه انبیا، بیدار کردن و یادآوری مایه‌های فطری بشر است. «ذَكْرُ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»

**﴿٥٦﴾ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٧﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ**

و جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند. و من از آنان هیچ رزقی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که به من طعام دهند.

**﴿٥٨﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمُتَّиِّنُ**

زیرا خداوند است آن روزی رسان نیرومند استوار

#### نکته‌ها:

◻ در حدیثی از امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: خداوند مردم را نیافرید مگر برای معرفت و شناختن و چون او را شناختند، او را عبادت می‌کنند و هر که او را عبادت کند، از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شود.<sup>(۱)</sup>

◻ جن، قبل از انسان آفریده شده و دارای تکلیف است. در این آیه نیز نامش قبل از انسان آمده است. «وَ مَا خَلَقْتَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَنَ»

◻ در قرآن، تمام آفرینش بر اساس حق است و هیچ آفریده‌ای باطل نیست، «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ»<sup>(۲)</sup> و همه‌ی آفریده‌ها در مسیر بهره‌مندی انسان است. «خَلَقْنَاكُمْ»<sup>(۳)</sup>، «سَخَّرْنَاكُمْ»<sup>(۴)</sup>، «مَتَاعًا لَكُمْ»<sup>(۵)</sup>

و انسان نیز برای هدفی متعالی آفریده شده که راه رسیدن به آن، عبادت خدا است. «وَ مَا

۱. تفسیر نمونه.  
۲. بقره، ۲۹  
۳. حجر، ۸۵

۴. جاثیه، ۱۳  
۵. نازعات، ۳۳

خلقت الجن والانس الا ليعبدون» البته عبادت معنای عام دارد و به هر کار نیکی که با هدف الهی انجام شود، عبادت گفته می‌شود.

سؤال: در قرآن اهداف دیگری، همچون آزمایش و امتحان، برای آفرینش انسان مطرح شده، آیا آن اهداف با هدفی که در این آیه (۵۶) آمده، هماهنگ است؟

پاسخ: قرآن در آیه دوم سوره مُلک می‌فرماید: «خلق الموت والحياة ليبلوكم ايكم احسن عملا» مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک عمل بهتری دارید. و در آیه دوازدهم سوره طلاق می‌فرماید: «لتعلموا انَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» هدف از آفرینش، علم انسان به قدرت الهی است.

در جمع‌بندی این آیات به نتیجه می‌رسیم که هدف اصلی، بندگی خداوند است، لکن عبادت نیازمند معرفت است که در جمله «لتعلموا» بیان شده است. و در عبادت که همان پذیرفتن راه الهی و رها کردن راه‌های غیر الهی است، انسان آزمایش می‌شود که در جمله «ليبلوكم» آمده است.

سؤال: اگر هدف آفرینش بشر عبادت است، پس چرا این هدف بطور کامل تحقق نیافته است؟

پاسخ: بارها خداوند در قرآن فرموده که اگر می‌خواستیم، همه را به اجبار هدایت کرده و به بندگی خود در می‌آوردیم، اما خداوند بشر را آزاد آفرید، تا آگاهانه و آزادانه، عبادت کند.

سؤال: آیا خداوند به عبادت ما نیازمند است؟

پاسخ: قرآن بارها می‌فرماید: خداوند از هر جهت غنی است، نه تنها از انسان، بلکه از همه هستی بی نیاز است. اگر به ما دستور دادند که منزل خود را رو به آفتاب بسازیم، نباید کسی گمان کند که خورشید به خانه ما نیاز دارد، این ما هستیم که به نور و انرژی آن محتاجیم. در این آیات نیز بی نیازی خداوند بیان شده است: «ما اريد منهم من رزق»

سؤال: اگر خداوند رزاق است، پس چرا به همه رزق یکسان نمی‌دهد؟

پاسخ: رزاق بودن یکی از صفات خداوند است، یکی دیگر از صفات او حکیم بودن است. یکسان بودن رزق، امری حکیمانه نیست، بلکه باید تابع تلاش و کوشش انسان‌ها باشد.

قرآن می‌فرماید:

﴿فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا﴾<sup>(۱)</sup> از دامنه زمین بالا روید و رزق به دست آورید.

﴿وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ﴾<sup>(۲)</sup> به سراغ کسب و کار و فضل الهی بروید و داد و ستد کنید. چنانکه نباید توقع داشته باشیم معلم به همه شاگردان نمره یکسان بدهد، زیرا علاوه بر معلم بودن و اختیار نمره دادن، حکیم نیز هست و باید میان شاگردان کوشما و بازیگوش، فرق بگذارد.

سؤال: اگر خداوند رزاق است، قحطی‌ها برای چیست؟

پاسخ: گاهی کمبودها جنبه کیفری دارد، چنانکه قرآن در مورد کیفر بنی اسرائیل می‌فرماید:

﴿فَبَظَلَمُوا مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمَنَا﴾<sup>(۳)</sup> به خاطر ظلمی که یهود کردند، بخشی از خوردنی‌ها را بر آنان حرام کردیم.

گاهی جنبه آزمایشی دارد: «وَلَنَبِلوَنُّكُمْ بِشَءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ»<sup>(۴)</sup> ما از طریق گرسنگی و ترس و... شما را آزمایش می‌کنیم.

گاهی جنبه تربیتی دارد: «فَاخْذُنَاهُمْ بِالْأَسَاءِ... لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ»<sup>(۵)</sup> ما برای تضرع و برگشت آنان به سوی خداوند، آنها را از طریق ناگواری‌ها گوشمالی می‌دهیم. و گاهی نتیجه قهری برخورد نادرست انسان با طبیعت است، همچون تخریب جنگل‌ها، آلوده ساختن آب رودخانه‌ها و به هم زدن تعادل محیط زیست که در طول زمان، مشکلات بسیاری از جمله قحطی را بدنبال می‌آورد.

■ اگر ایمان داشته باشیم که رزق از خداست، ریشه‌ی بسیاری از حرص‌ها، بخل‌ها، حیله‌ها، حسد‌ها، کلاهبرداری‌ها و کم فروشی‌ها، در انسان می‌خشکد. «إِنَّ اللّٰهَ هُوَ الرَّزَاقُ...»

#### پیام‌ها:

۱- جن و انس در تکلیف مشترکند. «الجِنُّ وَالْأَنْسُ... لِيَعْبُدُوْنَ»

۲- عبادت کردن بشر و الهی شدن مردم مهم است، نه عبادت شدن خداوند.

۳. نساء، ۱۶۰.

۲. جمعه، ۱۰.

۱. ملک، ۱۵.

۵. انعام، ۴۲.

۴. بقره، ۱۵۵.

- ﴿لِيَعْبُدُونَ﴾ (نفرمود: «الْأَعْبُدُ» تا من عبادت شوم.)
- ۳- لازمه‌ی عبادت، معرفت معبد است، پس آفرینش جن و انس برای شناخت حق و حرکت در راه خداوند است. **﴿لِيَعْبُدُونَ﴾**
- ۴- انسان در معرض غفلت و نسيان است و باید پیوسته هدفش را به او تذکر داد.  
**﴿وَذَكَّرَ... مَا خَلَقَتِ الْجِنَّةُ وَالْإِنْسَنُ...﴾**
- ۵- خداوند بی نیاز است و عبادتی که از جن و انس می خواهد، به خاطر احتیاج او نیست بلکه به خاطر رشد آنهاست. **﴿وَمَا أَرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ...﴾**
- ۶- کسی که خودش رزاق است، چه نیازی به رزق بندگان دارد. **﴿مَا أَرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ... إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ﴾**
- ۷- تمام امکانات و تخصص‌ها و ابزارها، وسیله و بستر رسیدن به رزق است ولی روزی رسان تنها خدادست. **﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ﴾**
- ۸- خداوند در توان روزی رسانی کمبودی ندارد. **﴿هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ﴾**
- ۹- با گذشت زمان، قدرت روزی رسانی خداوند کمرنگ نمی‌شود. **﴿الْمُتَّيْنُ﴾**  
 («متین» به معنای ثابت و استوار است)

**﴿۵۹﴾ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا أَذْنُوبًا مِثْلَ ذَنْبِ الْأَصْحَابِ هُمْ فَلَا يَسْتَغْلُونَ**

پس همانا برای کسانی که ظلم کردند، سهم و نصیبی (از عذاب) همانند سهم هم مسلکانشان است، پس شتاب نکنند (که به آن خواهند رسید).

**﴿۶۰﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ**

پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند، از روزی که وعده داده می‌شوند.

#### نکته‌ها:

- کلمه «ذنوب» به معنای سهم و نصیب است.
- آغاز سوره با «توعدون» بود و پایان آن با «یوعدون» و این نشان می‌دهد که هدف این

سوره بیان مسئله معاد بوده است.

- ▣ این آیات می‌فرماید: ستمکاران این امت نیز نصیبی از عذاب دارند، همانند نصیب هم مسلکانشان در امت‌های دیگر که به هلاکت رسیدند. پس چه عجله‌ای دارند که می‌گویند: زودتر عذاب ما را بیاور!<sup>(۱)</sup>

- ▣ در فرهنگ قرآن، شرک و کفر، بزرگ‌ترین ظلم محسوب می‌شود، ظلم به خدا که مخلوقش در کنار او یا به جای او قرار گیرد، ظلم به خود که به جای خالق، سراغ مخلوق می‌رود و ظلم به خانواده که از شناخت حق و پیروی آن محروم می‌گرددند.

علامه طباطبایی می‌فرماید: مراد از ظلم در «اللّذين ظلموا» در آیه ۵۹، با توجه به «اللّذين كفروا» در آیه ۶۰، ظلم کفر است، نه ظلم به مردم.

- ▣ مراد از «يومهم الّذى يوعدون» ممکن است روز جنگ بدر باشد (عذاب دنیوی)، ولی به احتمال قوی مراد روز قیامت است (عذاب اخروی).<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

۱- کسی که خدا را عبادت نکند و خود را در مسیر هدفی که برای آن آفریده شده قرار ندهد، ظالم، بلکه کافر است. «الا ليعبدون... للّذين ظلموا... كفروا»

۲- سنت الهی درباره ستمگران، در طول تاریخ یکسان است. «ذنوباً مثل ذنوب اصحابهم»

۳- تاریخ گذشتگان، بهترین گواه بر حتمی بودن کیفر ستمگران است. «ذنوباً مثل ذنوب اصحابهم»

۴- کارهای مشابه، کیفرهای مشابه دارد. «مثل ذنوب اصحابهم»

۵- رفتارهای مشابه، افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. «مثل ذنوب اصحابهم»

۶- قهر و لطف خداوند زمان بندی حکیمانه دارد، عجله و شتاب ما در آن اثری ندارد. «فلا تستعجلون»

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر المیزان.

- ۷- سرنوشت انسان در گرو اعمال اوست. (ظلم و کفر، سبب عذاب الهی است).  
 «فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا...»
- ۸- آینده نگری، انسان را از کفر و ظلم بازمی دارد. «فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمَهُمُ الَّذِي  
 يُوعَدُونَ»

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»